

معصومه زمانی سعدآبادی \*

فرنوش شمیلی \*\*

تاریخ دریافت: ۹۹،۱۰،۱۲ تاریخ بازنگری: ۹۹،۱۰،۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۹،۱۱،۱۰

DOI: 10.22055/pyk.2021.16543

[https://paykareh.scu.ac.ir/article\\_16543.html](https://paykareh.scu.ac.ir/article_16543.html)

## ریخت‌شناسی قندیل‌های شیشه‌ای ایران در قرن‌های سوم تا ششم هجری قمری

### چکیده

**بیان مسئله:** شیشه‌گری از جمله هنرهای ارزنده سرزمین ایران است که پیشینه آن به هزاران سال پیش می‌رسد. این هنر در طول دوران اسلامی با برخورداری از پیشینه تاریخی و هنری غنی، وارد مرحله نوینی می‌شود به طوری که قرن‌های سوم تا ششم ه.ق از مهم‌ترین عصرهای شیشه‌گری دوران اسلامی ایران به شمار می‌رود. پژوهش حاضر در نظر دارد به مطالعه ریخت‌شناسانه قندیل‌های شیشه‌ای دوران اسلامی ایران بپردازد. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌ها است؛ قندیل‌های شیشه‌ای ایران به لحاظ ریخت‌شناسانه دارای چه ویژگی‌های بصری هستند و عناصر ثابت و متغیر قندیل‌های شیشه‌ای ایران در قرن‌های سوم تا ششم ه.ق چه بوده است؟

**هدف:** هدف این مقاله شناخت ساختار کلی قندیل‌های شیشه‌ای ایران، اجزا و همچنین عناصر تشکیل دهنده ثابت و متغیر آن است.

**روش پژوهش:** روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات آن از طریق منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

**یافته‌ها:** قندیل‌های شیشه‌ای از عناصر ثابت بدنه، گردن، پایه و حلقه‌آویز تشکیل شده‌اند. فرم بدنه قندیل‌های مذکور شلجمی-کروی و گلدانی کشیده است و گردن آن‌ها بلند و کوتاه با فرم‌های استوانه‌ای و شیپوری است و تنوع قندیل‌های شیشه‌ای ایرانی، ناشی از نحوه اعمال حلقه‌آویز و محل قرارگیری آن در دهانه یا میانه بدنه آن‌ها و نیز تزیینات آثار مذکور و افزودن خمیر شیشه در دهانه این اشیاء است.

### کلیدواژه:

ریخت‌شناسی، شیشه‌گری ایران، قندیل‌های شیشه‌ای، فرم و تزیینات

نویسنده مسئول، کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران \*

[mz375mz@gmail.com](mailto:mz375mz@gmail.com)

استادیار گروه هنرهای تجسمی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران \*\*

[farnoush.shamili@gmail.com](mailto:farnoush.shamili@gmail.com)

## مقدمه

شیشه‌گری از جمله هنرهای دیرین، ارزنده و رو به رشد در طول تاریخ هنر ایران است که پس از حاکمیت اسلام با تکیه بر پیشینه پربار و غنی خود، راه تکامل را پیمود به طوری که آثار ارزشمندی از قرن‌های اولیه اسلام تا حمله مغول و در نتیجه رکود هنر شیشه‌گری بر جای مانده است. آثار شیشه‌ای نظیر قندیل‌های ساخته شده از این دوران تاریخی بر اهمیت ساخت آثار شیشه‌ای تأکید دارد. این پژوهش با رویکرد ریخت‌شناسانه سعی در شناخت بخشی از آثار شیشه‌ای دوران اسلامی و ارائه تصویری کلی از ریخت قندیل‌های شیشه‌ای ایران دارد. تحلیل ساختار آثار هنری به لحاظ ریخت‌شناسانه یکی از روش‌های رایج در مطالعات هنری است. ساختار هر اثر نظامی است از روابط که برای درک و دریافت روابط میان اجزای آن نظام به بررسی اجزای متشکل اثر پرداخته می‌شود. از این‌رو پژوهش حاضر با این پرسش که قندیل‌های شیشه‌ای ایران قرن‌های سوم تا ششم هجری قمری دارای چه ویژگی‌های بصری بوده و عناصر ثابت و متغیر این آثار کدام است، دوازده قندیل شیشه‌ای بر جای مانده از قرون مزبور را مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به این که تحقیق جامع و مستقلى در رابطه با موضوع پژوهش حاضر صورت نگرفته، لذا مطالعه و بررسی ریخت‌شناسانه قندیل‌های شیشه‌ای ایران ضروری می‌نماید.

## روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف توسعه‌ای، بر حسب زمان گذشته‌نگر، از نظر ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. داده‌ها و اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است. از قرن‌های سوم تا ششم ه.ق در مجموع دوازده قندیل شیشه‌ای بر جای مانده است. جامعه آماری این پژوهش دوازده نمونه قندیل‌های شیشه‌ای برجای مانده از قرن‌های سوم تا ششم ه.ق است که تمام آثار مذکور با رویکرد ریخت‌شناسانه بررسی شده‌اند.

## پیشینه پژوهش

تحلیل ریخت‌شناسانه آثار در حوزه ادبیات موضوع تازه‌ای نبوده و مقالات متعددی در این رابطه نگاشته شده است که از آن جمله می‌توان به مقالاتی اشاره کرد که «ریخت‌شناسی»، آراء و نظریات «ولادیمیر پراپ»<sup>۲</sup> را به عنوان رویکردی در تحلیل نمونه‌ها به کار گرفته‌اند. «ریخت‌شناسی داستان لیلی و مجنون جامی بر اساس نظریه پراپ نوشته «سعید زهره‌وند و مرضیه مسعودی» (۱۳۹۳)، «تحلیل ریخت‌شناسی داستان سیاوش بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ» نوشته «ابراهیم استاجی و سعید رمشکی» (۱۳۹۲)، «ساختار داستان‌های شیخ اشراق بر اساس الگوی ولادیمیر پراپ» نوشته «محمدعلی آتش‌سودا و سمیرا صادقی» (۱۳۹۱) و دیگر مقالات در این حوزه اشاره داشت که به بحث در مورد ریخت‌شناسی و نظریه پراپ پرداخته‌اند. همچنین «اسداله معطوفی» (۱۳۹۳) در کتاب «سفال و شیشه شهر تاریخی گرگان» به بررسی ویژگی‌های ظاهری شیشه گرگان مشتمل از صراحی‌ها، گلدان‌ها و سایر اشیای شیشه‌ای در قالب جداولی پرداخته است. «سیدنی‌ام. گلدشتاین» (۱۳۸۷) در کتاب «کارهای شیشه» جلد دهم از مجموعه هنرهای اسلامی گردآوری ناصر خلیلی، پس از تعریف این هنر آثار شیشه‌ای مناطق مختلف را مورد بررسی و واکاوی قرار داده و از لحاظ تکنیک ساخت، نقوش و رنگ آن‌ها را تحلیل نموده است. «آرتور آپهام پوپ» (۱۳۹۰) در کتاب «سیری در هنر ایران» جلد پانزدهم؛ پیوست‌ها و تعلیقات، به بررسی صنعت شیشه‌گری قرن‌های نخستین اسلام در ایران و مصر و سوریه تا حمله مغول و بعد از آن در دوران سلسله‌های

صفویه و زند و قاجار به اختصار پرداخته است. «هلن علی اکبرزاده کرد مهینی» (۱۳۷۳) در کتابی با عنوان «شیشه مجموعه مرز بازرگان» پیدایش صنعت شیشه‌گری، تاریخچه مختصری از شیشه‌گری بعد از اسلام و روش‌های ساخت آن را بیان و همچنین چندین اثر شیشه‌ای را با ذکر محل و قرن پیدایش آن‌ها معرفی کرده است. «آرزو خانپور و نعیمه انزایی» (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی نقوش آبگینه دوران سلجوقی ایران با فاطمیان مصر در سده‌های ۵ و ۶ هجری قمری» در مجموع سی و چهار نمونه از آثار متنوع ایران و مصر را از منظر نقوش آن‌ها بررسی نموده اما نمونه‌ای از قندیل‌های شیشه‌ای را مورد بررسی قرار نداده است. «حسین کمندلو» (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش مایه قندیل (تجلی نور) در فرش‌های ایرانی از عصر صفویه تا دوران معاصر» فرش‌های ایرانی دارای نقش قندیل را بررسی و به یک نمونه از قندیل‌های شیشه‌ای ساخته شده در مصر اشاره نموده است. در حوزه مطالعات هنری تحقیق جامعی که قندیل‌های شیشه‌ای ایران را از منظر ریخت‌شناسانه موضوع کاوش قرار دهد، مشاهده نگردید. لذا مقاله پیش رو که به شناسایی و مطالعه ریخت‌شناسانه این آثار در ادوار یاد شده می‌پردازد، حائز اهمیت است.

## ریخت‌شناسی

«ریخت‌شناسی» دانشی در حوزه مطالعات ادبی است که هم اکنون در سایر عرصه‌ها از جمله در مطالعات هنری کاربرد دارد. اصطلاح ریخت‌شناسی یا مرفولوژی نخستین بار به وسیله «ولادیمیر پراپ» - محقق و مردم‌شناس روس - مطرح شد. وی این اصطلاح را از دانش زیست‌شناسی وام گرفته و معتقد است: «ریخت‌شناسی یعنی بررسی و شناخت اجزای تشکیل دهنده گیاه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و با کل گیاه» (پراپ، ۱۳۶۸، ۷). از نظرگاه وی بررسی فرم آثار به همان اندازه از اهمیت برخوردار است که ریخت‌شناسی شکل موجودات. وی پژوهش در اشکال ظاهری موجودات (اعم از زنده و غیر زنده) را وظیفه ریخت‌شناسی می‌داند. ریخت‌شناسی به لحاظ واژگانی به معنای بررسی و شناخت ریخت‌ها (پراپ، ۱۳۸۶، ۱۷) و مطالعه صورت‌ها است. یعنی مطالعه اجزای تشکیل دهنده یک شی و روابطشان با یکدیگر و با کل ساختار آن شی (آسابرگر، ۱۳۷۹، ۳۲). پس می‌توان گفت ریخت‌شناسی ارتباط تنگاتنگی با ساختار و شکل دارد، از این‌رو برای درک و مطالعه یک اثر باید اجزا و عناصر آن را بررسی کرد (گلدمن، ۱۳۸۲، ۱۰۹). به بیان دیگر تحقیق در ساختارهای آثار هنری، شناخت اشکال و گونه‌های آن و هر نوع تقسیم‌بندی که بتواند آثار را بر اساس مشخصه‌هایی متمایز کند از مقوله ریخت‌شناسی است (سرامی، ۱۳۶۸، ۴). همان‌طور که ذکر شد ریخت‌شناسی به عنوان یکی از روش‌های تبیین هنری رویکردی است که در شناخت و تعیین عناصر ثابت و متغیر اثر کارآمد است. عناصر ثابت عناصری هستند که پیوسته در اثر وجود دارند اما عناصر متغیر به صورت‌های مختلف ظاهر شده و سبب تنوع آثار می‌شوند (پارسا و صلواتی، ۱۳۸۹، ۵۶). با توجه به این‌که اساس نقد در هنر با هر رویکردی معطوف به فرم اثر هنری است لذا به مدد این رویکرد می‌توان به تصویری کلی از ریخت آثار دست یافت و بدین ترتیب آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

## هنر شیشه‌گری ایران

شیشه‌گری یکی از هنرهای باشکوه و ارزنده ایران در طول تاریخ اسلام است. شیشه‌گری ایران در دوران اسلامی ضمن حفظ و تداوم تکنیک‌های ساخت و تزئین آثار شیشه‌ای دوران قبل، تکامل و رونق یافت. با گذشت حدود

سه قرن از استیلای مسلمانان بر ایران، هنر شیشه‌گری که در حدود یک قرن و اندی دچار رکود شده بود مورد توجه واقع شد و به لحاظ ریخت، فرم و تزیینات تغییراتی کرد. چرا که در قرن‌های سوم و چهارم ه.ق ایران تجدید حیات علمی، فرهنگی و هنری یافته و زیر لوای سامانیان -از بزرگ‌ترین سلسله‌های مستقل ایران پس از اسلام- از آسایش مادی و معنوی برخوردار گشت. در ادوار تاریخ ایران هر زمان که هنرمندان از آسایش و آرامش برخوردار بودند آثار هنری باارزشی به یادگار گذاشته‌اند.

توجه به هنر و ادبیات از خدمات مهم شاهان سامانی بوده است؛ به طوری که می‌توان گفت دوره آن‌ها نهضتی برای هنر ملی ایران به شمار می‌رود (علام، ۱۳۸۶، ۷۸). این توجه به هنرمندان و صنعت‌گران باعث شد شیشه‌گری که از دوران قبل وجود داشت سریعاً طریق کمال پیش گیرد (نصری اشرفی، ۱۳۸۸، ۴۲۶). آثار به دست آمده از حفاری‌های نیشابور و سمرقند نشان دهنده دو مرکز بزرگ ساخت شیشه در عصر سامانیان بوده است (عطارزاده و هوشیار، ۱۳۹۶، ۲۰۴). در گذشته چنین تصور می‌شد که اشیای شیشه‌ای دوران اسلامی فقط در مصر، سوریه و بین‌النهرین ساخته شده‌اند؛ اما در سال‌های اخیر، آثار شیشه‌ای متعددی مختص دوران اسلامی در ایران کشف شده است (فوکایی، ۱۳۷۱، ۹۷). چنانچه از کاوش‌های باستان‌شناسی «نیشابور»، «ری»، «تورنگ‌تپه در گرگان»، «تپه میل ورامین»، «هرمزگان»، «ساوه»، «دقیانوس در کرمان»، «شهر حریره کیش» و... در سال‌های اخیر انبوهی از ظروف شیشه‌ای مربوط به قرن‌های سوم و چهارم ه.ق به دست آمد. همچنین «بندر سیراف» -یکی از مراکز مهم بازرگانی دریای خلیج فارس- در این سال‌ها کاوش شد و آثاری از کوره‌های شیشه‌گری و قطعات شیشه‌ای مربوط به این دوره به دست آمد که اشاره‌ای به وجود کارگاه شیشه‌گری در این بندر دارد (پوپ، ۱۳۹۰، ۱۴۱-۱۴۷).

«صفاریان» (۲۶۱-۳۷۹ ه.ق / ۸۷۵-۹۸۹ م)، «آل زیار» (۳۱۶-۴۳۳ ه.ق / ۹۱۸-۱۰۴۱ م)، «آل بویه» (۳۳۴-۴۴۷ ه.ق / ۹۳۲-۱۰۵۵ م) از دیگر حکومت‌های سده‌های نامبرده است که امرای آن همچون سامانیان به علوم و هنر توجه داشتند (مونس، ۱۳۸۵، ۳۶). در قرن‌های بعدی تا حمله مغول اشیای شیشه‌ای زیبایی در کارگاه‌های شیشه‌گری ایران ساخته می‌شد. «غزنویان» (۳۵۱-۵۲۸ ه.ق / ۹۶۲-۱۱۸۶ م)، «غوریان» (۵۴۳-۶۱۲ ه.ق / ۱۲۱۵-۱۱۴۸ م)، سلسله مستقل «سلجوقیان» (۵۹۰-۴۲۹ ه.ق / ۱۱۳۴-۱۱۹۳ م)، «خوارزمشاهیان» (۴۹۰-۶۲۸ ه.ق / ۱۰۳۰-۱۰۹۶ م) در خلال قرون مذکور بر ایران حکم راندند (بیات، ۱۳۸۸، ۱۶۹ و ۱۸۳). نقش سلجوقیان در تاریخ هنر ایران به نحوی سامان یافته که عصر حکومت آن‌ها را عصر درخشان و خلاقه هنر ایران دانسته‌اند. ورود سلجوقیان به ایران در قرن پنجم ه.ق از سویی توسعه روز افزون هنر ایران را در قرن‌های بعد رقم زد و از سوی دیگر باعث ترقی انواع هنرها از جمله شیشه‌سازی گردید و البته حمایت و تشویق پادشاهان سلاجقه در تعالی این هنر مؤثر واقع گشت. در قرن‌های پنجم و ششم ه.ق زیبایی، تنوع و تکنیک صنعت شیشه به اوج خود رسید به طوری که آثار باقی‌مانده نشانه‌هایی از پیشرفت صنعت شیشه‌گری در دوران سلجوقی است (معطوفی، ۱۳۹۳، ۱۷۲). کشمکش‌های سیاسی در اواخر دوران سلجوقی منجر به فرمانروایی خوارزمشاهیان بر ایران گردید اما در فرصت کوتاه حکومت ایشان، تحول و تنوعی در هنرها از جمله شیشه‌گری را نمی‌توان انتظار داشت. از این دوره به بعد شیشه‌گری رو به انحطاط نهاد؛ زیرا حمله مغول چنان ویرانی به بار آورد که اکثر آثار نابود و صنایع به دست فراموشی سپرده شدند. در دوره حکومت صفویان این هنر دوباره زنده شد (گلاک و پنتون، ۱۳۸۵، ۱۰۳).

## قندیل‌های شیشه‌ای

در اکثر آیین‌ها و تمدن‌ها «نور» مورد توجه بشر بوده و در ایران از دوران پیش از زرتشت، نور و نمادهایی از آن ستایش می‌شده است. در آیین اسلام و قرآن کریم، ایمان (آیه ۲۵۷ سوره بقره)، هدایت الهی (آیه ۱۲۲ سوره انعام)، پیامبر (آیه ۴۶ سوره احزاب)، ذات احدیت پروردگار (آیه ۳۵ سوره نور) و ... مصداق‌هایی برای نور هستند. قندیل به عنوان ابزار روشنایی، از جمله اشیایی است که با نور در ارتباط بوده و علاوه بر جنبه کاربرد جهت تزئین در مکان‌های مذهبی همچون مساجد به کار رفته است. «ارنست کونل» در مورد ساخت قندیل و کاربرد آن در هنر اسلامی چنین می‌نویسد از ائمه مهم مسجد قندیل است که مخصوصاً نوع مجلل آن را در کنار محراب قرار می‌دادند. این قندیل‌ها در شکل باریک یا جمع شده گلدان گونه خود با بدنه برآمده دهانه گشاد و حلقه‌های شیشه‌ای برای عبور دادن زنجیر و آویزان کردن از سقف تغییر کمی پیدا کرد (کونل، ۱۳۸۴، ۱۳۷).

داخل بدنه قندیل‌ها لوله‌ای ایستاده یا اضافه شده برای قرار دادن شمع و سایر وسایل همچون پیه یا چربی حیوانات، روغن دانه‌های روغنی مانند بزرک و کنجد تعبیه شده است. قندیل‌های شیشه‌ای مورد مطالعه در یک شکل با جزئیات متفاوت ساخته شده‌اند و اغلب آن‌ها بی‌رنگ و یک مورد به رنگ آبی ساخته شده است. اندازه قندیل‌های شیشه‌ای ایران از ۷ تا ۱۸ سانتی‌متر متغیر است. ارتفاع و قطر بزرگ‌ترین قندیل به ترتیب ۱۸/۱ و ۱۷ سانتی‌متر بوده (تصویر ۱) و کوچک‌ترین آن‌ها ۷/۷ سانتی‌متر ارتفاع و ۶/۸ سانتی‌متر پهنا دارد (تصویر ۲). تصاویر قندیل‌های شیشه‌ای قرن‌های سوم تا ششم ه.ق متعلق به سرزمین ایران به همراه ترسیم خطی هر اثر به ترتیب قرن -از قرن سوم تا ششم ه.ق- در جدول ۱ گنجانده شده است.

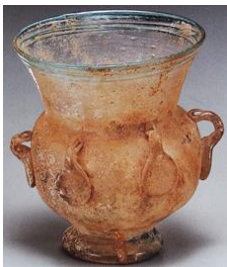
## مطالعه ریخت‌شناسانه قندیل‌های شیشه‌ای ایران

با مطالعه و بررسی قندیل‌های شیشه‌ای بر جای مانده از ایران در قرن‌های سوم تا ششم ه.ق باید بیان کرد بدنه، گردن، پایه و حلقه آویز عناصر اصلی تشکیل دهنده این آثار است. با وجود این که اجزا و عناصر تشکیل دهنده هر یک از قندیل‌های شیشه‌ای ایران مشترک است اما تفاوت اندازه آن‌ها سبب ایجاد ریخت متفاوت قندیل‌های مزبور گشته است. این تفاوت در بدنه و گردن مشهود است. با این که یک فرم گلدانی برای قندیل‌های شیشه‌ای در نظر گرفته شده اما اندازه قطر بدنه و ارتفاع آن‌ها سبب تنوع این فرم گشته است؛ به طوری که بدنه قندیل‌های شیشه‌ای در دو ریخت متفاوت شلجمی-کروی و گلدانی کشیده (تصویر ۳ و ۴) مشاهده می‌شوند. در بعضی از قندیل‌های بلند و باریک ارتفاع بدنه نسبت به قطر آن زیادتر بوده و در برخی دیگر قطر بدنه بیشتر از ارتفاع آن است که در این صورت فرم نهایی کوتاه، پهن و کروی شکل دیده می‌شود. فرم گردن قندیل‌های شیشه‌ای کوتاه یا بلند است که به فرم استوانه‌ای و شیپوری دیده می‌شوند. بدنه قندیل‌های شیشه‌ای ایران بدون نقوش بوده و با خمیر شیشه هم‌رنگ بدنه یا رنگ‌های آبی و سبز تزئین شده است. این تزئینات افزوده گاهی در لبه گردن و دهانه به صورت یک خط افقی و گاه روی بدنه، در محل اتصال حلقه‌ها وجود دارند. حلقه‌های شیشه‌ای -در فواصل منظم بدنه برای عبور دادن زنجیر و آویزان کردن از سقف- در ۸ مورد از قندیل‌های ایران در ابتدای بدنه -یعنی قسمتی که بدنه به گردن متصل شده است و در ۴ نمونه از دهانه به بدنه متصل شده‌اند. حلقه‌های آویز قندیل‌های شیشه‌ای ایران در دو حالت به بدنه متصل شده است. در حالت اول از انتهای این فرم‌های حلقه مانند، نوار باریکی تا پایه قندیل با خمیر شیشه اعمال شده که با ابزار شکل گرفته است (تصویر ۵).



تصویر ۱.

بزرگ‌ترین قندیل شیشه‌ای  
منبع: گلداشتاين، ۱۳۸۷، ۵۹.



تصویر ۲.

کوچک‌ترین قندیل شیشه‌ای  
منبع: Carboni, 2001, 166.



تصویر ۳.



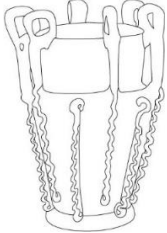









قندیل با بدنه شلجمی-کروی  
منبع: نگارندگان



تصویر ۴.

قندیل با بدنه گلدانی کشیده  
منبع: نگارندگان

جدول ۱. قندیل‌های شیشه‌ای ایران در قرن‌های سوم تا ششم ه.ق. تدوین: نگارندگان

ترسیم خطی	تصویر ۲	قرن ۳-۴	ترسیم خطی	تصویر ۱	قرن ۳
					
منبع: Tait, 1991, 123			منبع: Carboni, 2001, 166		
ترسیم خطی	تصویر ۴	قرن ۴	ترسیم خطی	تصویر ۳	قرن ۴
					
منبع: علی اکبرزاده کردمهبینی، ۱۳۷۳، ۱۰۴.			منبع: علی اکبرزاده کردمهبینی، ۱۳۷۳، ۱۰۳.		
ترسیم خطی	تصویر ۶	قرن ۴-۵	ترسیم خطی	تصویر ۵	قرن ۴
					
منبع: Carboni & Whitehouse, 2001, 2			منبع: علی اکبرزاده کردمهبینی، ۱۳۷۳، ۱۰۱.		
ترسیم خطی	تصویر ۸	قرن ۵	ترسیم خطی	تصویر ۷	قرن ۵





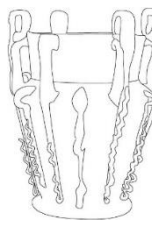









# بیکره

فصل نامه، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

ریخت‌شناسی قندیل‌های شیشه‌ای ایران در قرن‌های سوم تا ششم هجری قمری

دوره نهم، شماره ۲۱، پائیز ۹۹

۷

					
منبع: گلداشتاین، ۱۳۸۷، ۶۰.		منبع: علی اکبرزاده کردمهبینی، ۱۳۷۳، ۱۱۵.			
ترسیم خطی	تصویر ۱۰	ترسیم خطی	تصویر ۹	قرن ۴-۵	
					
منبع: Carboni, 2001, 166		منبع: Kroger, 1995, 182			
ترسیم خطی	تصویر ۱۲	ترسیم خطی	تصویر ۱۱	قرن ۴-۶	
					
منبع: گلداشتاین، ۱۳۸۷، ۶۱.		منبع: گلداشتاین، ۱۳۸۷، ۵۹.			

# پیکره

فصل نامه، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز

ریخت‌شناسی قندیل‌های شیشه‌ای ایران در قرن‌های سوم تا ششم هجری قمری

دوره نهم، شماره ۲۱، پائیز ۹۹

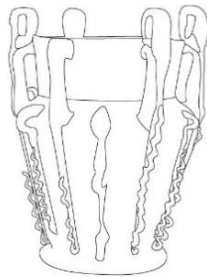
۸



تصویر ۵.

حلقه‌های روی بدنه.

منبع: نگارندگان



تصویر ۶.

حلقه‌های متصل از دهانه به بدنه

منبع: نگارندگان



تصویر ۷.

حلقه‌های متصل به سطح دایره‌ای

منبع: نگارندگان

شایان ذکر است در قندیل‌هایی با فرم کشیده و باریک‌تر، حلقه‌های شیشه‌ای از دهانه به طرف بدنه کشیده شده که در همان محل اتصال نیز نوار افزوده‌هایی عمودی به منظور تزیین و استحکام آن تا کف قندیل امتداد یافته است (تصویر ۶). در حالت دوم حلقه شیشه‌ای بالای سطح دایره شکلی که با خمیر شیشه به بدنه اصلی قندیل افزوده شده، قرار گرفته است (تصویر ۷). همچنین در کف این قندیل‌های شیشه‌ای پایه مسطح و پهنی برای قرار گیری شمع در حین ساخت از سوی هنرمند شیشه‌گر در نظر گرفته شده است. سطح بدنه قندیل‌های شیشه‌ای ایران فاقد نقوش می‌باشند. جدول ۲ بر اساس ترتیب تصاویر در جدول ۱ ترسیم شده و عناصر ثابت و متغیر قندیل‌های شیشه‌ای را به منظور ارائه کلیت جامع از ریخت آثار مذکور مورد بررسی قرار داده است.

جدول ۲. ریخت‌شناسی قندیل‌های شیشه‌ای ایران در قرن‌های سوم تا ششم ه.ق. تدوین: نگارندگان

شماره تصویر	فرم بدنه		گردن				پایه مسطح	حلقه آویز		محل اتصال حلقه آویز	
	شُلجَمی-کروی	گلدانی کشیده	کوتاه	بلند	استوانه‌ای	شیپوری		حلقه متصل به سطح دایره‌ای	حلقه متصل به نوار شیشه‌ای	دهانه قندیل	میانه قندیل
۱	*			*	*		*		*		
۲	*			*		*	*		*		
۳	*		*		*	*	*		*		
۴	*		*		*	*	*		*		
۵	*			*	*		*		*		
۶	*			*	*	*	*		*		
۷	*		*	*	*		*		*		
۸	*		*	*	*		*		*		
۹	*			*	*	*	*		*		
۱۰	*			*	*	*	*		*		
۱۱	*			*	*	*	*		*		
۱۲	*			*	*	*	*		*		

## نتیجه

با مرور قندیل‌های شیشه‌ای ایران بر جای مانده از قرن‌های سوم تا ششم ه.ق، این نتیجه حاصل شد که بدنه، گردن، حلقه آویز و پایه از اجزای ثابت این آثار است. فرم و اندازه هر یک از اجزای مذکور، نوع و محل قرارگیری حلقه‌های آویز و نیز تزیینات قندیل‌های شیشه‌ای به عنوان عناصر متغیر سبب تنوع این آثار گشته است. بدنه قندیل‌های شیشه‌ای ایران شُلجَمی و گلدانی بوده و بنا بر اندازه قطر بدنه و ارتفاع تفاوت‌هایی در این فرم‌ها مشهود است. گردن قندیل‌های شیشه‌ای بلند یا کوتاه بوده و به فرم استوانه‌ای و شیپوری ساخته شده است. شایان ذکر



است گردن قندیل‌های گلدانی، بلند و استوانه‌ای است. پایه مسطح در انتهای قندیل‌های شیشه‌ای توسط هنرمند شیشه‌گر در نظر گرفته شده است. حلقه‌های آویز شیشه‌ای در دو حالت به قندیل‌های شیشه‌ای افزوده شده است. در حالت اول از انتهای این فرم حلقه مانند، نوار شیشه‌ای تا پایه قندیل با خمیر شیشه افزوده شده است و در حالت دوم چند فرم دایره‌وار، دور تا دور بدنه قندیل با مذاب شیشه افزوده شده و حلقه‌های شیشه‌ای ابتدای هر یک از این سطوح قرار گرفته‌اند. همچنین محل قرارگیری حلقه‌های آویز بر روی قندیل‌های شیشه‌ای متفاوت بوده و در قندیل‌های گلدانی با گردن بلند و استوانه‌ای در دهانه و در باقی قندیل‌های شیشه‌ای در میانه بدنه اعمال شده است. افزودن خمیر شیشه به بدنه، دهانه و انتهای حلقه‌های آویز از جمله تزینات قندیل‌های شیشه‌ای ایران است. این تزینات، هنگامی که بدنه قندیل هنوز گرم بوده بدان افزوده شده و با ابزار پرداخت و شکل یافته است. با توجه به پیشینه پربار و قدمت طولانی هنر شیشه‌گری در سرزمین ایران، تحقیق ریخت‌شناسانه در حوزه سایر آثار شیشه‌ای همچون جام‌ها، صراحی‌ها، ابریق‌ها و ... می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی قرار گیرد که مورد مطالعه و بررسی واقع نشده است.

## پی‌نوشت

1. Morphology
2. Vladimir Propp

## منابع

- آتش‌سودا، محمدعلی و صادقی، سمیرا. (۱۳۹۱). ساختار داستان‌های شیخ اشراق بر اساس الگوی ولادیمیر پراپ. *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، سال ۸(۲۷)، ۲۱-۱.
- آسا برگر، آرتور. (۱۳۷۹). *نقد فرهنگی* (ترجمه حمیرا مشیر زاده). تهران: باز.
- استاجی، ابراهیم و رمشکی، سعید. (۱۳۹۲). تحلیل ریخت‌شناسی داستان سیاوش بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ. *متن-شناسی ادب فارسی*، ۴۹(۳)، ۳۷-۵۲.
- بیات، عزیزاله. (۱۳۸۸). *کلیات تاریخ تطبیقی ایران*. چاپ دوم. تهران: امیر کبیر.
- پارسا، سید احمد و صلواتی، لاله. (۱۳۸۹). ریخت‌شناسی حکایت‌های کلیله و دمنه نصراله منشی. *بوستان ادب دانشگاه شیراز*، ۴(۴)، ۷۷-۴۷.
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۶۸). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. (ترجمه فریدون بدره‌ای). چاپ اول. تهران: توس.
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۸۶). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. (ترجمه فریدون بدره‌ای). چاپ دوم. تهران: توس.
- پوپ، آرتور آپهام. (۱۳۹۰). *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*. جلد پانزدهم؛ پیوست‌ها و تعلیقات. تهران: علمی و فرهنگی.
- زهره‌وند، سعید و مسعودی، مرضیه. (۱۳۹۳). ریخت‌شناسی داستان لیلی و مجنون جامی. *پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، ۱۲(۲۳)، ۱۹۰-۱۶۹.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۶۸). *از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه)*. تهران: علمی و فرهنگی.
- عطار زاده، عبدالکریم و هوشیار، مهران. (۱۳۹۶). *مجموعه هنر در تمدن اسلامی*. تهران: سمت.
- علام، نعمت اسماعیل. (۱۳۸۶). *هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی* (ترجمه عباسعلی تفضلی). چاپ دوم. مشهد: به نشر.
- علی اکبرزاده کرد مهینی، هلن. (۱۳۷۳). *شیشه مجموعه مرز بازرگان*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- فوکایی، شینجی. (۱۳۷۱). *شیشه ایرانی* (ترجمه آرمان شیشه‌گر). تهران: میراث فرهنگی.
- کونل، ارنست. (۱۳۸۴). *هنر اسلامی* (ترجمه هوشنگ طاهری). چاپ پنجم. تهران: انتشارات طوس.
- گلاک، جی و پنتون، کارل. (۱۳۸۵). *سیری در صنایع دستی ایران* (ترجمه حمید عنایت). تهران: بانک ملی ایران.
- گلدشتاین، سیدنی‌ام. (۱۳۸۷). *کارهای شیشه؛ مجموعه هنرهای اسلامی* (گردآوری ناصر خلیلی). جلد ۱۰. تهران: کارنگ.
- معطوفی، اسداله. (۱۳۹۳). *سفال و شیشه شهر تاریخی گرگان* (جرجان). تهران: فروهر.
- مونس، حسین. (۱۳۸۵). *اطلس تاریخ اسلام*. چاپ سوم. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- نصری اشرفی، جهانگیر. (۱۳۸۸). *تاریخ هنر ایران*. تهران: آرون.
- Carboni, Stefano & Whitehouse, David. (2001). *Glass of the Sultans*. New York: The Metropolitan.
- Carboni, Stefano. (2001). *Glass from Islamic Lands*. UK: Thames & Hudson.
- Tait, Hugh. (1991). *Five Thousand Years of Glass*. New York: The Trustees of the British -Museum.
- Kroger, Jens. (1995). *Nishapur Glass of the Early Islamic Period*. New York: The Metropolitan Museum of Art.

